

دشناخت جرم‌شناسی (۱) نوشته کیت سوتیل و دیگران. ترجمه میر روح الله صدیق بطباعت
نشر دادگستر، چاپ اول، سال ۱۳۸۳.

دیباچه

تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری



جرم‌شناسی به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم جنایی عمری بیش از یک سده دارد. به عقیده عده‌ای از جرم‌شناسان، تولد جرم‌شناسی علمی تا اندازه‌ی زیادی ناشی از شکست حقوق و نظام کیفری در مبارزه با جرم و کنترل بزهکاری بوده است. حقوق کیفری تاریخی بیش از چهار هزار سال دارد و به گواهی قانون‌نامه‌هایی که در نیمه نخست سده بیستم در خاور نزدیک کنونی و جنوب ترکیه به دست آمد و نخستین آن، قانون‌نامه اور - نمو است، از حربه کیفر برای حمایت از ارزشهای اساسی عصر خود استفاده می‌کرده است.^۱ اما بر خلاف حقوق کیفری باستان، حقوق کیفری مدرن که عمری بیش از دو قرن دارد از طریق سازوکار تدوین مقررات (Codification) اولاً مقررات شکلی را از مقررات ماهوی تفکیک نموده است، ثانیاً مقرراتی به‌عنوان اصول کلی یا اصول عمومی ناظر به کل حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری تعریف و پیش‌بینی کرده است که نسبت به کلیه جرایم و مجازاتها و نحوه محاکمه متهمان قابل اعمال است و ثالثاً برای جرایم تعریف فنی به دست داده است که نوع و مجازات هر جرم ارتكابی در پرتو این تعاریف فنی تعیین می‌شود؛ ضمن اینکه کیفرها و چگونگی اجرا و اعمال آنها را متنوع و اصل شخصی کردن را بر مجازاتها حاکم کرده است. حقوق کیفری مدرن عمدتاً ریشه در تحولات فکری، فلسفی، علمی، حقوقی و... دو سده اخیر دارد که بی‌تردید جرم‌شناسی که در نیمه دوم سده نوزدهم متولد شد، نقش قابل توجهی در این تحولات داشته است.

۱. بادامچی، حسین، (به کوشش)، تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۲۷ و بعد.

اثر سزار بکاربا، رساله جرایم و مجازات‌ها که در سال ۱۷۶۴ منتشر شد، به عنوان منشور حقوق کیفری مدرن و کتاب دکتر لمبروزو، انسان بزهکار که بیش از یک قرن بعد، یعنی در سال ۱۸۷۶ منتشر شد، در واقع منشور جرم‌شناسی علمی تلقی می‌شود. اگرچه این دو رشته ماهیتاً متفاوت‌اند، اما دغدغه هر دو مبارزه علیه جرم و مطالعه آن است که اولی آن را در چارچوب قوانین و مقررات از طریق سازوکار قضایی دنبال می‌کند و دومی با مطالعات تجربی در مقام پیدا کردن علل ارتکاب جرم و متنوع و مؤثر کردن شیوه‌های کنترل آن است.

جرم‌شناسی در یک تقسیم‌بندی کلی و به اعتبار اینکه یکی از رشته‌های علوم مرکب محسوب می‌شود، به دو شاخه تقسیم شده است:

جرم‌شناسی نظری که موضوع آن تبیین عمل و اقدام جنایی یا مطالعه عوامل و فرایندهای ارتکاب عمل مجرمانه است، در واقع بخش علمی - مبنایی جرم‌شناسی محسوب می‌شود؛ و دیگری **جرم‌شناسی کاربردی** که به تعبیر جرم‌شناسانی چون ژان پیناتل فقط شامل **جرم‌شناسی بالینی**، یعنی جرم‌شناسی اصلاح و درمان مجرمین و در نهایت پیشگیری از تکرار جرم است. بدین سان، نگرش علمی جرم‌شناس بالینی نسبت به بزهکار، تا اندازه زیادی، همچون نگرش پزشک به بیمار است. به همین جهت است که اصول جرم‌شناسی بالینی دقیقاً از مدل پزشکی معاینه، تشخیص و تجویز دارو الگو می‌گیرد. اما استاد گسن، حقوقدان جرم‌شناس، در چاپ پنجم کتاب خود^۱ از جرم‌شناسی کاربردی تقسیم‌بندی جدیدی به دست داده است که طبق آن، جرم‌شناسی بالینی تنها یکی از شاخه‌های سه‌گانه جرم‌شناسی کاربردی را تشکیل می‌دهد.

به نظر این استاد، بنیان‌گذاران جرم‌شناسی علمی، یعنی لمبروزو، انریکو فری و گاروفالو نیز جرم‌شناسی را یک علم کاربردی نیز تلقی می‌کردند، چنانکه در آثار خود، یعنی به ترتیب *انسان بزهکار* (۱۸۷۶)، *افقهای نوین حقوق کیفری (جامعه‌شناسی جنایی)* (۱۸۸۱) و *جرم‌شناسی* (۱۸۸۵)، علاوه بر تحلیلهای نظری عمل مجرمانه، انتقادهایی را

1. Gassin (Raymond), *Criminologie*, Dalloz, 5^e édition, 2003, n° 678.

گفتنی است که چاپ نخست کتاب *جرم‌شناسی* در سال ۱۹۸۸ منتشر شده است که شادروان استاد دکتر کی‌نیا آن را در سه جلد با عنوانهای «مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی» (۱۳۷۰)، «جرم‌شناسی کاربردی» (۱۳۷۰) و «جرم‌شناسی نظری» (۱۳۷۴) به فارسی برگردانده و منتشر کرده است.

نسبت به نهادهای کیفری موجود در آن زمان همراه با پیشنهادهایی در جهت بهبود کارایی نظام کیفری مطرح کردند. پس می‌توان گفت جرم‌شناسی کاربردی در اصل با انتقاد نسبت به حقوق کیفری و پیشنهاد نهادهای جایگزین مطرح شد که استاد گسن این جنبه از جرم‌شناسی کاربردی را **جرم‌شناسی سیاست جنایی** و **تکنیکهای حقوق کیفری** می‌نامند. به تعبیر این استاد در طول نیمه نخست سده بیستم، از بطن جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیکهای حقوق کیفری (این نخستین شاخه جرم‌شناسی کاربردی) به تدریج شاخه کاربردی دومی به وجود آمد که به **جرم‌شناسی بالینی** مشهور شد و سرانجام از اوایل سالهای ۱۹۵۰ میلادی به تدریج شاخه سوم از جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیکهای حقوق کیفری متولد شد که به نام **جرم‌شناسی پیشگیرانه** شهرت یافت. موضوع این جرم‌شناسی مطالعه وسایل و ابزارهای غیرکیفری مؤثر در پیشگیری از بزهکاری است.

بنابراین، می‌توان گفت که جرم‌شناسی کاربردی از یک سو شامل جرم‌شناسی حقوقی یا انتقادی نهادهای مختلف حقوق کیفری (حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری) و از سوی دیگر، جرم‌شناسی اصلاح و درمان بزهکاران عمدتاً از طریق کیفر سالب آزادی^۱ و سرانجام جرم‌شناسی پیشگیری از جرم^۲ از طریق وسایل و روشهای غیرکیفری می‌باشد. بدین سان، جرم‌شناسی علمی در طول عمر بیش از یک سده خود، تحولات زیادی را به خود دیده است و تحولات زیادی را نیز در رشته‌های مختلف علوم جنایی، به‌ویژه علوم جنایی حقوقی و سیاست جنایی، موجب شده است.

۱ و ۲. گفتنی است که جرم‌شناسی پیشگیرانه و جرم‌شناسی بالینی در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نوعی مورد توجه نویسندگان و خبرگان قانون اساسی قرار گرفته است: «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین». رک. نجفی ابرندآبادی (ع.ح.)، «زندان، درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟» (دبیاچه) در بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه ع.ح. نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، ۱۳۸۲، انتشارات مجد، ص ۹، و بعد؛ زینالی، حمزه، «پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، شماره ۶، ۱۳۸۱، ص ۹۷ و بعد؛ و نیازپور، (امیرحسن)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، سال ۱۳۸۲، ص ۱۲۴ و بعد.



فرایند تولد و تحول جرم‌شناسی در ایران به دلایل سیاسی، اجتماعی و علمی به تریبی بوده است که بسیاری از جنبه‌های جدید و پویای این رشته مناسبت طرح، بحث و تحول را نداشته است و بنابراین قضاوت برخی از حقوق‌دانان کیفری در مورد این رشته مطالعاتی بدون توجه به کل تحولات آن، و اغلب یک‌بُعدی صورت می‌گیرد. جرم‌شناسی از جایگاه شایسته خود در برنامه‌های آموزشی - پژوهشی برخوردار نبوده و از همه مهم‌تر، رویکرد آموزشی به آن نیز اغلب ذوقی (آماتوری) بوده است. بدین ترتیب است که تحولات دهه‌های اخیر جرم‌شناسی هنوز مجال طرح و بحث را در سطح دانشکده‌های حقوق به طور شایسته نیافته است.

به نوشته شادروان استاد دکتر هومن، تدریس جرم‌شناسی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و بدین‌سان در ایران، از سال ۱۳۳۱ خورشیدی، یعنی بیش از نیم سده پیش، آغاز شده است.^۱

کمتر از یک دهه بعد، یعنی از آغاز سالهای ۱۳۴۰ خورشیدی، مؤسسه‌ای در قلمرو جرم‌شناسی با عنوان مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران با هدف‌های آموزشی و پژوهشی نیز شروع به کار نمود.^۲ آثار پژوهشگران و استادان جرم‌شناسی از جمله شادروان استاد دکتر کی‌نیا^۳ و شادروان استاد دکتر مظلومان^۴ که عمده منابع آموزشی این رشته را تشکیل می‌دادند با تأثیرپذیری از نوشتگان جرم‌شناختی فرانسه و به اقتضای جهت‌گیریهای غالب جرم‌شناسی در زمان خود، جرم‌شناسی و جرم‌شناس را دست کم به دو دلیل در مقابل حقوق کیفری و حقوق‌دان

۱. هومن (احمد)، زندان و زندانیها یا رژیم‌پنی‌تانسیر، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ خورشیدی، ص ۴.

۲. نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، جایگاه جرم‌شناسی در ایران، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲، ۱۳۷۶، ص ۱۱۹.

۳. کی‌نیا (مهدی)، مبانی جرم‌شناسی (کلیات)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۶۹؛ کی‌نیا (مهدی)، مبانی جرم‌شناسی (جامعه‌شناسی جنایی)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۶۹.

۴. مظلومان (رضا)، کلیات جرم‌شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، فروردین ۲۵۳۶ ش (۱۳۵۶ خورشیدی)؛ مظلومان (رضا)، جرم‌شناسی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپ اول، فروردین ۲۵۳۵ ش (۱۳۵۵ خورشیدی)؛ مظلومان (رضا)، جامعه‌شناسی کیفری، چاپخانه خرمی، چاپ اول،

۳۰ آبان ۱۳۵۱، مظلومان (رضا)، حقوق جزا و جرم‌شناسی، چاپخانه خرمی، چاپ اول، آذر سال ۱۳۵۱.

کیفری قرار می‌دادند:

از یک سو به دلیل غالب بودن مطالعات و آموزه‌های علت‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی بالینی که به تعبیر پیش‌گفته، بزهداران را بیمارانی تلقی می‌کردند که یا به علت نارساییهای شخصی یا به علت نارساییهای محیطی در واقع مستحق درمان و اصلاح بودند و نه مجازات و سرکوبی، و بنابراین در برخورد با مجرمان، نوعی اندیشه پزشکی - اجتماعی و نه کیفری - قضایی را ترویج می‌دادند و از سوی دیگر به دلیل کارنامه ناعادلانه نظام کیفری در نیمه نخست سده بیستم؛ چرا که نظام کیفری در قالب رویکرد سیاسی اقتدارگرای فراگیر (توتالیتاریزم) به ابزاری برای سرکوب «دگراندیشان» و «دگر زیستان» در دولتهای ناسیونال - سوسیالیست، فاشیست و کمونیست اروپایی تبدیل شده بود و بدین‌سان از خود خاطره، تجربه و کارنامه ضدبشری به جای گذاشته بود. به گونه‌ای که پس از پایان جنگ جهانی دوم و نابودی حکومت‌های نازیست و فاشیست و افشای ماهیت خودکامه نظام کیفری حکومت‌های کمونیستی، بعضی جرم‌شناسان از یک سو و حقوق‌دانان کیفری انسان‌گرا - که بعدها در حقوق بشری کردن نظام کیفری نقش عمده‌ای را ایفا کردند - از سوی دیگر، نوعی موضع‌گیری انتقادی علمی - سیاسی نسبت به نظام کیفری اتخاذ کردند و در جهت تعدیل جنبه‌های سرکوبگر این نظام تا حد طرفداری از کنارگذاری و الغای نظام کیفری پیش رفتند.^۱

بدین ترتیب، ذهنیت و استنباطی که حتی امروز از جرم‌شناسی نزد برخی از حقوق‌دانان کیفری وجود دارد همچنان تحت تأثیر جرم‌شناختی علت‌شناختی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی و جرم‌شناسی بالینی است. حال آنکه مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی به‌ویژه از سالهای ۱۹۷۰ میلادی (برابر با سالهای ۱۳۵۰ خورشیدی) در ایالات متحده آمریکا و کانادا و نوشتگان جرم‌شناختی از آغاز دهه ۱۳۷۰ خورشیدی در ایران به تدریج متحول شده و نظریه‌ها، موضوعات و دورنماهای جدیدی را فراروی جرم‌شناسان و حقوق‌دانان قرار داده است، چنان‌که مطالعات علت‌شناختی جرم و رویکرد بالینی - پزشکی به بزهداران متحول شده و به هر حال دیگر کل جرم‌شناسی را تشکیل نمی‌دهد. امروزه عمده جرم‌شناسان ضمن مطالعه پیشگیری از بزهداری، از طریق جرم‌شناسی حقوقی (جرم‌شناسی انتقادی رشته‌های مختلف حقوق کیفری) طرفدار تعامل با حقوق‌دانان کیفری و بنابراین در مقام ایجاد تحول در تأسیسات کیفری

۱. ر.ک. آنسل (مارک)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات

به منظور انطباق این نهادها با ویژگیها و اقتضائات جدید بزهکاری اند. به ویژه این که نظام کیفری نیز در تعامل با نظام بین‌المللی حقوق بشر، خود دل‌نگران کرامت متهم، بزهکار و حتی بزه‌دیده در همه مراحل کیفری است و بنابراین از این جهت با نظام کیفری معمول در نیمه نخست سده بیستم فاصله زیادی گرفته است. بدین سان است که جرم‌شناسان دیگر همه بزهکاران را بیمار تلقی نمی‌کنند و منکر حقوق کیفری نیستند و قاضی کیفری را که در پرتو استقلال قضایی خود به هنگام تعقیب و محاکمه متهمان از اصول دادرسی عادلانه پیروی می‌کند، ارج می‌نهند؛ لیکن واقعیت انسانی - اجتماعی جرم را به آنها معرفی می‌کنند و از آنها دعوت می‌کنند تا از بُرج عاج کیفری خارج شده به شرایط شخصی، فردی و اوضاع و احوال محیطی که جرم در آن تکوین و ارتکاب یافته نیز توجه کنند تا برخوردشان با بزهکاران عادلانه باشد.

مگر نه این است که - به عنوان نمونه - بندهای ۳ و ۵ ماده ۲۲ و ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی، به طور ضمنی از قاضی می‌خواهد که علاوه بر نگاه حقوقی، با یک نگاه جرم‌شناسانه و اندکی تحقیقات پیرا حقوقی و جمع‌آوری اطلاعات شخصی - محیطی از متهم، نسبت به فردی کردن حکم کیفری در معنای جرم‌شناختی - کیفرشناختی آن اقدام نماید؟ این مواد تا اندازه‌ای حاکی از نوعی تبلور آموخته‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری و تأکید بر واقعیت انسانی - اجتماعی جرم نیست؟....



به هر حال، اگرچه تحقیقات میدانی جرم‌شناسی مجال انجام و گسترش را در دو دهه اخیر در ایران در حد شایسته نداشته است، لیکن می‌توان گفت که در پرتو کتابها و مقالات استادان و پژوهشگران پویا و نیز پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشجویان نوآور کارشناسی ارشد و دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دست کم نوشتگان جرم‌شناختی فارسی از آغاز دهه ۱۳۷۰ خورشیدی تا اندازه‌ای متنوع و غنی شده است.^۱ در این آثار، در واقع تحولات جرم‌شناسی و همه نظریه‌های جدید آن منکر

۱. در مورد کتابها می‌توان به عنوان نمونه از آثار زیر نام بُرد:

الف. دانش (تاج زمان)، مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست؟ انتشارات موسسه کیهان، چاپ هشتم، تیر ۱۳۷۷.

حقوق کیفری نیستند، بلکه در جهت تحول این رشته از علوم جنایی حاوی پیشنهادها و راه‌کارهای جدیدی در زمینه مجازاتها، پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوانان، دادرسی کیفری، اداره زندان‌ها و جز این‌اند که بعضی از آنها به تدریج از طریق قانون‌گذاری کیفری به نهادهای حقوقی تبدیل شده‌اند.

ب. بکاربا (سزار)، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، انتشارات میزان، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۰.

ب. گسن (ریموند)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۰.

ت. گسن (ریموند)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰.

ث. پیکا (ژرژ)، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

ج. پست (زان - میشل)، جامعه‌شناسی جنایت، ترجمه فریدون وحید، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

چ. کی‌نیا (مهدی)، روان‌شناسی جنایی، انتشارات رشد، جلد اول، ۱۳۷۴ و جلد دوم، ۱۳۷۶.

ح. گسن (ریموند)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات مجد، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۷۴.

خ. نجفی ابرندآبادی (علی حسین) و هاشم‌بیگی (حمید)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، سال ۱۳۷۷.

د. نوربها (رضا)، زمینه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۳۸۰.

ذ. لیز (ژرار)، فیلیزولا (ژینا)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.

ر. شجاعی (علی)، جرم‌شناسی نظری، انتشارات سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰.

ز. ویلیمز (فرانک پی.) و مک‌شین (ماری لین دی.)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، بهار ۱۳۸۳.

ژ. پوت وین (دیوید) و سامنز (آیدن)، روان‌شناسی و جرم، ترجمه داود نجفی توانا، نشر میزان، بهار سال ۱۳۸۳.

س. نجفی توانا (علی)، جرم‌شناسی، انتشارات خیام، ۱۳۷۷.



شناخت جرم‌شناسی از جمله جدیدترین آثار جرم‌شناسان انگلیسی است که به همت و قلم آقای میرروح‌الله صدیق بطحایی اصل، دانشجوی پژوهشگر دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق (ع)، به فارسی برگردانده شده است.

مترجم محترم که قبلاً نیز اقدام به ترجمه درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی کرده است، با انتخاب اثر حاضر که حاوی موضوعات جدیدی از جمله عدالت ترمیمی، جرم‌شناسی و جهانی شدن، جرم‌شناسی و تروریسم و... است، در واقع به سهم خود بار دیگر تلاش کرده است تا به غنی شدن نوشتگان جرم‌شناسی در ایران کمک کند. در این رهگذر ایشان از مشورت با صاحب‌نظران به منظور معادل‌گزینیهای فارسی متناسب و درک نظریه‌های جدید برای برگرداندن مناسب آنها، از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است. از جناب آقای میرروح‌الله صدیق بطحایی اصل که از اوقات فراغت خود برای برگردان اثر حاضر استفاده کرده است قدردانی می‌کنم و امیدوارم شناخت جرم‌شناسی، به نوبه خود، در گسترش دانش جرم‌شناختی دانشجویان مفید واقع شود.

علی حسین نجفی ابرندآبادی

تهران، ۱۸ خرداد ۱۳۸۳

خورشیدی

۱. وایت (راب)، هینس (فیونا)، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق بطحایی اصل،

انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۲.